

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه از دادگاه درخواست تصدیق شده و ترتیب اثر نداده

ماده ۸۱ قانون آزمایش

داده است:

د چون از طرف فرجامخواه دادگاه استان درخواست شده است که تصدیقی بمشارالیه داده شود تا از اداره گمرک موارد استفاده خود را تحصیل و تقدیم دارد و در موقع اعتراض بر حکم غیابی کیفیت استفاده خود را بیان کرده و دادگاه نوجهی بدرخواست مشارالیه نکرده و در حکم مورد شکایت وجهی برای عدم انجام آن ذکر نکرده و از اینجهت رسیدگی دادگاه ناقص بوده لذا حکم مورد شکایت بموجب شق ۳ ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود . . .

کسی بخواسته مبالغی بابت قیمت برنج و خسارت در دادگاه شهرستان بر دیگری اقامه دعوی کرده و در دادگاه شهرستان مطرح ویس از رسیدگی خوانده غیاباً محکوم بتسلیم مقداری برنج و پرداخت مبالغی خسارت میشود - محکوم علیه اعتراض کرده و رسیدگی اعتراضی نیز استوار میشود - بر اثر پژوهش خواهی محکوم علیه دادگاه استان رسیدگی و دادنامه حضوری و غیابی نیز استوار میگردد - محکوم علیه فرجام خواسته - شعبه (۴) دیوان کشور در داد نامه شماره ۹۹۳ بتاريخ ۱۸/۵/۱۸۵۱ پس از رسیدگی چنین رأی

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد و از دن دادخواست پژوهش تبعی دادستان استان

ماده ۳۵۱ اصلاحی آئین دادرسی کیفری

تمام شده و درخواست دادستان را واژه - دادستان مزبور از این قرار فرجام خواسته و شعبه ۲ دیوان کشور پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۴۸۷ بتاريخ ۲۹/۶/۱۸۶۱ چنین رأی داده است:

(هر چند استدلال دادگاه استان در رد درخواست پژوهش تبعی دادستان استان مزبور باینکه طبق ماده ۳۵۱ اصول محاکمات جزائی درخواست پژوهش باید قبل از اعلام ختم دادرسی بعمل آید و چون در اینمورد درخواست بعد از فسخ حکم بدوی راجع بضرر و زیان مدعی خصوصی بعمل آمده قابل قبول نمیداند مخدوش است زیرا صرف صدور رأی بر فسخ حکم بدوی اعلام ختم دادرسی محسوب نمیشود

کسی بر اثر شکایت بکنفر با اتهام خیانت در امانت تعقیب شده ویس از تنظیم ادعایمانه از طرف دادسرا و تقدیم دادخواست ضرر روزیان از طرف شاکی خصوصی بدادگاه جنحه از لحاظ فقد دلیل کافی بربرئه و شاکی خصوصی هم محکوم به بیعقی میشود - مدعی خصوصی پژوهش خواسته و دادگاه استان در قسمت ضرر و زیان دادنامه را کسبخته و برای رسیدگی جلسه تعیین کرده و در این جلسه دادستان استان در قسمت بربرئه پژوهش تبعی خواسته و دادگاه استان از لحاظ اینکه طبق ماده ۳۵۱ اصلاحی قانون دادرسی کیفری درخواست پژوهش تبعی باید پیش از اعلام ختم دادرسی بشود و در اینمورد رسیدگی نسبت بضرر روزیان مدعی خصوصی

و طبق حکایت پرونده دادگاه استان در جلسه ۲۳ بهمن ۱۶ فقط حکم بدوی را فسخ و بدقتر دستور داده که اطراف دعوی را برای تکمیل رسیدگی دعوت نماید و جلسه دیگری برای این امر معین شده و در آن جلسه نماینده دادرسی استان بعنوان تبعی درخواست پژوهش نموده و با این کیفیت نمیتوان گفت درخواست مزبور بعد از اعلام ختم دادرسی بوده است - لیکن نظریه اینکه ماده استنادی که میکوبید هر يك از اشخاص فرق ... ناظر باین بوده که هر گاه یکی از طرفین دعوی پژوهش بخواهد برای طرف دیگر حق درخواست

پژوهش تبعی پیدا میشود و در این مورد از ناحیه منتهم که طرف دعوی دادستان محسوب میشود نسبت بحکم دادگاه جنحه درخواست پژوهشی نشده بوده و درخواست پژوهش مدعی خصوصی هم چون نسبت به دادستان طرف دعوی محسوب نمیشود موجد حق پژوهش تبعی برای دادستان نخواهد بود از این لحاظ اساساً دادستان استان حق درخواست پژوهش تبعی نداشته و قرار دادگاه استان مبنی بر رد درخواست او با اتفاق آراء نتیجه ابرام میشود.

تصمیم دادگاه استان شعبه فرجامی

در مورد بکه دادگاه تراشیده شدن دیوار مشترك را ملازم با ورود خسارت ندیده

کسی بعنوان اینکه خواننده دیوار مشترك میان خانه او و خانه خود تراشیده و مقداری از آنرا جزء خانه خود نموده و بر خواننده اقامه دعوی و مطالبه خسارت کرده - دادگاه بخش قرار معاینه محلی با جلب نظر کارشناس صادر و با حضور آنها مورد نزاع را معاینه و پس از رسیدگی طبق عقیده مصدقین (بعنوان اینکه از عمل خواننده خسارتی بدیوار وارد نشده و تراشیدن دیوار ملازمه با ورود خسارت ندارد) خواهان را بوازدن دعوی محکوم میکند و بر اثر پژوهش خواهی محکوم علیه دادگاه شهرستان که مرجع پژوهشی بوده دادنامه را استوار کرده است - محکوم علیه فرجام خواسته و اعتراض کرده که با وجود تصدیق کار شناسان بتراشیدن دیوار متابعت دادگاه بخش شهرستان از قسمت اخیر عقیده آنها دائر باینکه خسارتی بخواهان وارد نشده مورد نداشته

است - دادگاه استان شعبه فرجامی در دادنامه شماره ۳۵۹۴ بتاريخ ۱۸ و ۲۱ و ۲۸ چنین رای داده است: « از حکم دادگاه بخش و حکم فرجام خواسته مستفاد این است که در نظر هر دو دادگاه بخش و پژوهش تراشیدن شدن دیوار که مدعی نیز حسب الاشترک در آن مالکیت داشته بنا بعقیده کار شناسان مسلم و محقق بوده که بدقتضای این امر ایجاد نقص در مالی که متعلق بحق مدعی نیز بوده و الاخره وازد آوردن زبان و ضرر بر مدعی که عبارت اخراج نقص مال از نظر عرف محسوب است بالملازمه محقق خواهد بود با اینحال از طرفی ثابت دانستن تراش دیوار و از طرف دیگر نظر گرفتن بعدم ورود خسارت با همدیگر متضاد و متعارض با همدیگر است علیهذا حکم موضوع تکلیف غیر موجه و غلیل و بموجب ماده ۳۵۵ قانون آزمایش با اتفاق آراء نقض میشود»

رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بکه دادگاه مجرد ضرب بدون وجود شاکي را بزه شناخته و بایزه دیگر حکم تعدد تجاری ساخته

ماده ۱۷۱ و ۱۷۳ و ۲۰۵ قانون کفر و ۲ الحاقی

بر اثر ضرب و جرح او بوده با تطبیق عمل با قسمت اول ماده ۱۷۱ به پنجسال زندانی با اعمال شاقه محکوم شده و یکتف

دونفر با اتهام ضرب و جرح بزنی که منتهی بمرک او شده تحت تعقیب واقع و یکی از آنها از نظر آنکه فوت

نسبت بار با اتفاق آراء ابرام میشود لیکن نسبت بیکطرف دیگر نظر باینکه دادگاه همین قدر احراز نموده که از طرف از ایراد ضرب بمجنی علیها بعمل آمده و چون مشمول شدن عدل او در این قسمت با فقره اول ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی معلوم نیست و در صورت مشمول بودن با قسمت اخیر آن ماده نیز تعقیب قضیه محتاج بوجود شاکی بوده است که از برنده وجود شاکی معلوم نیست حکم فرجامخواسته در این قسمت قابل نقض است و چون دادگاه در تعیین مجازات برای اخفاء جسد تعدد جرم را در نظر گرفته و با استناد ماده ۲ الحاقی حکم خود را صادر نموده در قسمت مزور نیز حکم مخدوش بوده و بر طبق ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی حکم فرجامخواسته با اتفاق آراء نقض میشود...

دیگر برای ایراد ضرب پیش از قضیه قتل و مساعدت او با متهم اولی در پنهان کردن جسد متوفی با استناد ماده ۱۷۳ و ۲۰۵ و ۱۷۸ قانون کیفر بارعایت تخفیف بخش ماه زندانی تادیمی محکوم شده طرفین فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه (۵) در دادنامه شماره ۱۲۲۸ بتاريخ ۱۸/۵/۲۹ چنین رأی داده:

«... در اعتراض دادستان نسبت بمحکومیت متهم اولی اینست که عدل او مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۱ بوده است که با ملاحظه اینکه آلت ضرب و جرح بدست نیامده و معلوم نشده کدام يك از ضایعات منتهی نفوت مجنی علیه شده اعتراض مزبور وارد نیست و چون متهم فرجامخواه اعتراض خاصی ذکر ننموده تا مورد توجه واقع شود و از ملاحظه پرونده نیز اشکال مؤثری بنظر نرسید حکم فرجامخواسته

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد اتهام کسی به ثبت نکردن ازدواج خود

ماده (۱) اصلاحی قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶

کشور پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۴۲۶ بتاريخ ۱۸/۶/۱۸ چنین رأی داده است:

(مفاد اعتراض دادستان این است که ماده واحده مصوب خرداد مراد ۱ و ۳ قانون ازدواج را اصلاح نموده و آنها را نسخ نکرده است تا عدل انتسابی در موقع آن قانون جرم محسوب نشود وارد نیست چه آنکه بطوریکه دادگاه استناد کرده اعمال مزبوره در قانون ناآگاهی لازم که در قانون اصلاحی اشاره بآن شده است انتشار نیافته بود جرم تلقی نمیشود و چون از جهات دیگری نیز اشکالی بنظر نرسید حکم فرجامخواسته با اتفاق آراء ابرام میشود)

کسی با اتهام اینکه در ۱۳۱۶ با زنی ازدواج نموده و در مدت قانونی به ثبت نرسانیده مورد تعقیب واقع و در دادگاه جنحه بحسب محکوم میشود - در اثر پشوهش خواهی محکوم علیه دادگاه استان (بملاحظه اینکه ماده ۱ قانون ازدواج در ۱۳۱۶ اصلاح شده و کیفیت الزامی ثبت ازدواج را موقوف بانشار آگاهی وزارت دادگستری نموده و بموجب آگاهی وزارت نامبرده وقایع ازدواج و طلاق از اول شهریور ۱۳۱۷ در محل بزه میبایستی در دفاتر اسناد رسمی ثبت شود) بارعایت ماده ۶ قانون کیفر قضیه را قابل تعقیب کیفری ندانسته و با کمیسیون دادنامه منع تعقیب متهم اعلام میشود - دادستان استان درخواست رسیدگی فرجامی کرده و شعبه ۵ دیوان